

چهارقاپی، آتشکده‌ای در کوست خوربران*

رضا مهرآفرین**
ابراهیم احمدی هدایتی***

چکیده

چهارتاقی قصرشیرین معروف به چهارقاپی با اضلاع ۲۵ متر یکی از بزرگ‌ترین آتشکده‌های ایران در دوره ساسانی به‌شمار می‌رود که با استناد به منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی احتمالاً در اواخر این سلسله ساخته شده است. بنای مذکور که در مجاورت کاخ خسرو قرار داشت، معبدی برای ساکنان کاخ به‌شمار می‌رفت تا تشریفات دینی خود را در آن به‌جای آورند. مجاورت این بنا با کاخ نشانگر وابستگی دین و دولت در حکومت ساسانی به یکدیگر است. چهارقاپی با وجود این‌که توسط رومیان تخریب و بعدها با تغییر حکومت و مذهب در ایران به حال خود رها شد، با گذشت زمان طولانی از ساخت آن، دارای پی و گوشواره‌ای بسیار مستحکم و جالب توجه است که عظمت آن را در زمان آبادانی آشکار می‌سازد. چهارقاپی با چهار درگاه ورودی در زمره آتشکده‌هایی قرار دارد که علاوه بر دارا بودن دالان طواف، از تزیینات معماری داخلی فوق‌العاده زیبایی نیز برخوردار بوده است. پیرامون این سازه مذهبی مجموعه‌ای از اتاق و تأسیساتی قرار داشته که در سال‌های اخیر بخش‌هایی از آنها در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی کشف و تا حدودی مرمت شده است. سبک معماری این بنا کاملاً ساسانی و با استفاده از مصالح بوم‌آورد از قبیل لاشه سنگ و ملاط گچ ساخته شده و بر فراز آن گنبدی رفیع قرار داشته است. این مقاله کوشیده است تا با استفاده از منابع مورخین و جغرافیانگاران دوره اسلامی (رهیافت تاریخی) و نیز پژوهش‌های باستان‌شناسی سیمای روشنی از چهارقاپی ارایه و عملکرد آن را به عنوان یکی از مراکز دینی ساسانیان در اواخر این سلسله در کوست خوربران آشکار سازد.

واژگان کلیدی

چهارتاقی قصرشیرین، چهارقاپی، آتشکده، خسرو پرویز، ساسانیان.

*. خوربران یا مغرب که بعدها خاوران یا مشرق خوانده شد.

**. دکتری باستان‌شناسی. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. نویسنده مسئول ۰۹۱۵۳۴۰۲۸۱۹

Reza.mehrafarin@gmail.com

***. کارشناس ارشد باستان‌شناسی

ebrahimahmadi22@yahoo.com

مقدمه

بنای معروف به چهارقاپی در مجاورت شهر مرزی قصرشیرین در استان کرمانشاه و در میان بازمانده‌هایی از بناهای باستانی منسوب به عصر ساسانی، واقع شده است (تصویر ۱). این شهر در مسیر محور ارتباطی جاده ابریشم قرار داشت و به همین دلیل در طول تاریخ از رونق اقتصادی خاصی بهره‌مند بود [کلایس، ۱۳۶۶: ۱۲۸-۱۰۵]. قصرشیرین اولین شهر ایرانی در مسیر جاده بغداد - تهران به‌شمار می‌رود که به علت دارا بودن آثار باستانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از نخستین افرادی که به آثار دوره ساسانی این منطقه مانند عمارت خسرو، چهارقاپی و بان قلعه اشاره و از آنها عکس و نقشه تهیه کرده‌اند، می‌توان به دمرگان، باستان‌شناس فرانسوی اشاره کرد [دمرگان، ۱۳۳۹: ۱۱۲]. آثار مذکور همواره قصر شیرین را به عنوان یکی از شهرهای باستانی ایران مرکز توجه ایران‌شناسان و باستان‌شناسان قرار داده است. بناهای باستانی مختلف این شهر مانند ابنیه خصوصی و رسمی (عمارت خسرو)، اداری (بان‌قلعه)، مذهبی (چهارقاپی)، خدماتی (سیستم آبرسانی) و نظامی (قلعه‌گیری سید حاتم و ...) را می‌توان جزو آخرین و بزرگ‌ترین بناهای دوره ساسانیان به حساب آورد [هوف، ۱۳۶۵: ۱۸۷-۱۷۶]. بنای چهارقاپی به عنوان یک مکان آیینی در کنار عمارت خسرو، پادشاه ساسانی از لحاظ وسعت و ابعاد در نوع خود بی نظیر و در واقع یک اثر ممتاز معماری از اواخر دوره ساسانی به‌شمار می‌رود.

پیشینه پژوهش و مطالعات تاریخی پیرامون مجموعه بناهای قصرشیرین

بسیاری از مورخین و جغرافیانویسان ایرانی و عرب سده‌های نخست هجری قمری و پس از آن در مورد شهر باستانی قصرشیرین و آثار آن مطالبی نگاشته‌اند که از بین آنها می‌توان به یعقوبی [۱۳۸۱: ۱۳۷]، [۱۳۴۹: ۱۰۲]، احمد ابن فضلان بن عباس [۱۳۸۰: ۶۰]، ابن رسته [۱۳۶۵: ۱۹۳]، ابودلف [۱۳۵۴: ۷۸]، ابن حوقل [۱۳۴۵: ۵۵]، قزوینی [۱۳۷۱: ۲۳۲-۲۳۰]، یاقوت حموی [۱۹۵۷: ۳۵۸]، ابوالفداء [۱۳۴۹: ۴۷۷] و قلقشندی [۱۳۸۰: ۷۹] اشاره کرد. این نویسندگان بیشتر مطالب خود را به عمارت خسروپرویز، چگونگی ساخت و نیز روایات مربوط به ساختن کاخی توسط خسرو برای شیرین، همسر محبوبش اختصاص داده‌اند. بنا به نوشته این نویسندگان، کاخ مذکور در سال ۶۲۸ میلادی توسط هراکلیوس سردار رومی تخریب شد.

از آنجایی که بنای چهارقاپی در نزدیکی قصر خسرو قرار داشت، احتمالاً بنای مذکور که از نظر ابعاد، استحکام، زیبایی و ملحقات یک سازه کاملاً منحصر به فرد آیینی در منطقه به‌شمار می‌رفت، به دستور شاهنشاه بنا شد تا درباریان، اعمال دینی خود را به طرز باشکوهی که درخور منزلت شاهی آنان باشد، برگزار کنند. خصوصاً که بنیان حکومت ساسانی بر مذهب نهاده شده بود و شاهان ساسانی خود را نگهبان کیش و آیین زرتشتی می‌دانستند. از این‌رو ساخت معابد آب

و آتش در این سلسله دارای منزلت خاصی بود. البته ناگفته نماند که ساسانیان مشروعیت حکومت خود را در پشتیبانی از دین مزدیسنا می‌دانستند. طبیعی است که چنین بنای شاخصی که نماد دین و دولت پادشاه ایران به حساب می‌آمد پس از هجوم دشمنان که از نظر اعتقادی مخالف آنان بودند، بی‌درنگ تخریب شد تا هیچ‌گونه آثاری از حکومت و مسایل اعتقادی آنان برجای نماند.

یکی از نشانه‌های قدرت شهرواران ساسانی، توجه به امر ساختمان‌سازی و ساخت شهر بود. به همین دلیل هریک از شاهان این سلسله می‌کوشید تا شهری جدید پی‌افکنند یا شهرهای کهن و پیشین را نوسازی کنند. از اواخر سده سوم میلادی کم‌کم شاهان ساسانی زندگی در دشت‌های زیبای کرمانشاهان و غرب ایران را بر شهرهای باشکوه و زیبای گور و بیشاپور در فارس ترجیح دادند [هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۳۱]. شواهد تاریخی و آثار باستان‌شناختی نشان می‌دهد که از این دوره تا پایان حکومت ساسانی نه‌تنها غرب ایران مانند تیسفون جایگاه همیشگی پایتخت این سلسله شد، بلکه شهرها و بناهای دیگری نیز در این منطقه ساخته شد.

«ابودلف»، از جغرافی‌نگاران اوایل قرن چهارم هجری قمری، قصرشیرین را به‌گونه‌ای زیبا توصیف کرده است. براساس نوشته‌های وی، این شهر دارای ساختمان‌های بلند و عظیم بود، چنان‌که دید انسان از تعیین ارتفاع آن عاجز و فکر از پی‌بردن به آن سردرگم می‌ماند. این بناها شامل ایوان‌های به هم پیوسته و خلوتگاه‌ها، انبارها، کاخ‌ها با سقف ضربی، گردشگاه‌ها، مهتابی‌ها، میدان‌ها، شکارگاه‌ها، اتاق‌ها و کاخ‌هایی بود که بر فراز تپه بنا شده و مدتی وقت می‌گرفت تا شخص خردمند به کیفیت آن پی‌برد. این آثار از قدرت، شوکت و روزگاران درازی حکایت می‌کند که برای مردم بسی عبرت‌انگیز است [ابودلف، ۱۳۵۴: ۵۸]. «ابن فقیه» نیز در توصیف برخی بناهای این دوره نگاهی است که هیچ بنایی از گچ و آجر، شکوهمندتر از ایوان کسری در مداین و هیچ بنای سنگی، زیباتر از قصرشیرین نیست. هیچ طاقی دل‌انگیزتر از طاق شدیز و هیچ بنایی از خشت و گل، خوش منظرتر از بنای نیم‌ور، روستایی در اصفهان نیست [ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۰۲].

پیترو دل‌واله نخستین سیاح اروپایی است که در سال ۱۶۵۹ میلادی از ویرانه‌های قصرشیرین بازدید کرده است [دل‌واله، ۱۳۷۰: ۸]. پس از وی محققین و سیاحانی چون ریچ [Rich, 1836: 504-543]، باینر [۱۳۷۰: ۷۸۴-۳۸۳] و الیویه [۱۳۷۱: ۲۷] به توصیف این بنا پرداخته‌اند. در سال ۱۸۹۶ میلادی «ژاک دمرگان» ضمن ترسیم نقشه‌هایی نه چندان دقیق از بنای قصرشیرین آن را توصیف کرده است [دمرگان، ۱۳۳۹: ۱۱۲]. پس از او در سال ۱۹۱۰ میلادی زاره و هرتسفلد [Sarre and Herzfeld, 1910: 293] و در سال ۱۹۱۱ میلادی «گرتروید بل» ضمن توصیف معماری بناهای این مجموعه، پلانی از آنها ترسیم کرد که با پلان ترسیمی دمرگان تفاوت فاحشی داشت [Bell, 1914: 44-51].



تصویر ۱. نمایی از چهارقاپی. مأخذ: آرشیو سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی قصر شیرین.

Fig.1. View of Chahār Qāpi. Source: Archive of Cultural Heritage Tourism and Handicrafts of Qasr-e Shirin

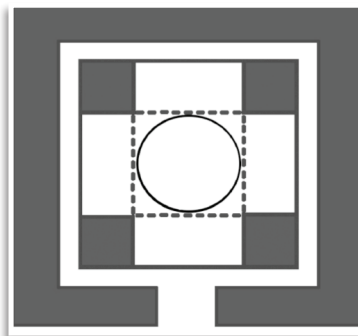
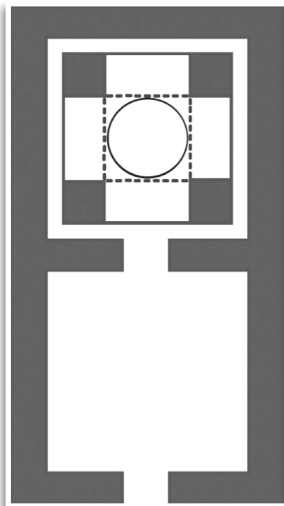
بنای چهارقاپی

«قاپی» در زبان ترکی به معنی «درب» و چهارقاپی به معنای «چهار درب» است. در این ناحیه مکان‌های دیگری با اسامی خاص ترکی وجود دارد که به نظر می‌رسد این اسامی بر اثر کوچ عشایر و ایلات ترک همدان به این نواحی وارد شده است. چهارتاقی به معنای چهار دروازه با یک بنای مربع شکل، نام پارسی چهارقاپی است. این لغت شبیه به لغت سوق پهلوی (سوک) است که اصلاً یک کلمه پهلوی بوده و چهار بازار معنی می‌دهد. یعنی بنای مربعی که چهار زاویه دارد و در عین حال محل یک بازار نیز است [حسینی، ۱۳۸۷: ۳۹۳]. «طبری» در باب اهمیت معابد آتش در دوره ساسانیان می‌نویسد که خسرو دوم (خسرو پرویز) آتشکده‌هایی بنا کرد و دوازده هزار هیرید برای زمزمه و ادعیه و سرودخوانی در آتشکده‌ها برگماشت. دلیل توجه بیش از حد شاهان ساسانی به مذهب زرتشت این بود که اردشیر پاکان، بنیان‌گذار این سلسله یک روحانی زاده بود و پدران وی تولیت معبد آناهیتای استخر در پارس را برعهده داشتند. اردشیر معتقد بود که دین و شاهی دو برادرند که یکی از دیگری بی‌نیاز نیست. دین، شالوده شاهی است و پادشاه نگرهبان دین است، هر چه را باید نباشد از میان برود و هر چه نگرهبان نداشته باشد، تباه گردد [طبری، ۱۳۶۸: ۶۷۱]. پیوند دین و دولت در دوره ساسانی نه تنها در متون پهلوی این دوران و کتب مورخین دوره اسلامی منعکس است، بلکه این مسئله در نخستین پایتخت‌های آنان مانند گور و بیشاپور نیز کاملاً نمایان است و در آنها، معابد دینی با کاخ‌های شاهی برابری می‌کند.

در این دوره، آتش مقدس در زیر سایبانی قرار می‌گرفت که آن را به شکل بنایی چهار درب بنا می‌کردند که معمولاً درب‌ها بر طبق جهات اربعه تنظیم می‌شد و پیروان آیین مزدیسنا می‌توانستند هنگام نیایش آتش آن را طواف و بدون نزدیک شدن به مجمر، آتش مقدس را مشاهده کنند (تصویر ۲). گذشته از کاخ‌های شاهنشاهی در این دوره، آتشکده‌ها از مهم‌ترین بناهای هر ناحیه و شهر به‌شمار

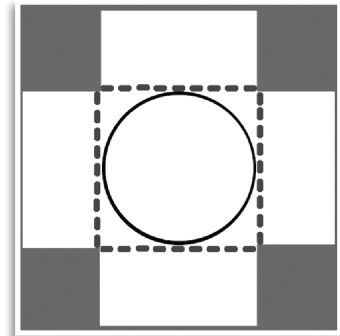
می‌رفت. گرچه آتشکده‌ها ساده بودند، ولی زمین‌های فراوان و ثروت بیکرانی داشتند که از هدایا، نذورات و اوقاف بدست آمده بود. با اینکه آتشکده‌ها بیشتر در مراکز جمعیتی و شهرهای بزرگ و یا در دشت‌ها قرار داشت، اما گاهی در مسیر راه‌های اصلی و یا در ارتفاعات مشرف به جاده‌ها ساخته می‌شد که در این صورت نقش راهنما برای مسافران را نیز برعهده داشتند. عنصر اصلی در همه آتشکده‌ها، چهارتاقی بود که با توجه به عملکرد بنا و ویژگی آنها به صورت‌های مختلف ساخته می‌شد. اساس آتشکده‌های ساسانی را بناهای چهارتاقی در اشکال ساده، چهارتاقی با دالان طوافدار (Krypta)؛ (تصویر ۳) و چهارتاقی با ورودی مسقف (تصویر ۴)، تشکیل می‌داد. یکی از ویژگی‌های معمول در معماری ساسانی تأکید بر گنبد و یا گنبدهایی با بخش چلیپایی شلجمی شکل است که این مورد در چهارتاقی‌ها به شدت مراعات می‌شد تا شعله‌های آتش بتواند در فضای وسیع زیر گنبد زبانه بکشد. چهارقاپی از

تصویر ۴. چهارتاقی با دالان طواف‌دار و ایوان مسقف. مأخذ: هرمان، ۱۳۸۰: ۳۳۰. Source: Herman, 1994: 128



تصویر ۳. چهارتاقی با دالان طواف‌دار. مأخذ: کامبخش فرد، ۱۳۷۴: ۱۵۸

Fig.3. Four arched with vendor corridor. Source: Kambakhshfard, 1995: 158



تصویر ۲. چهارتاقی ساده با چهار درگاه باز. مأخذ: سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۲۸۸

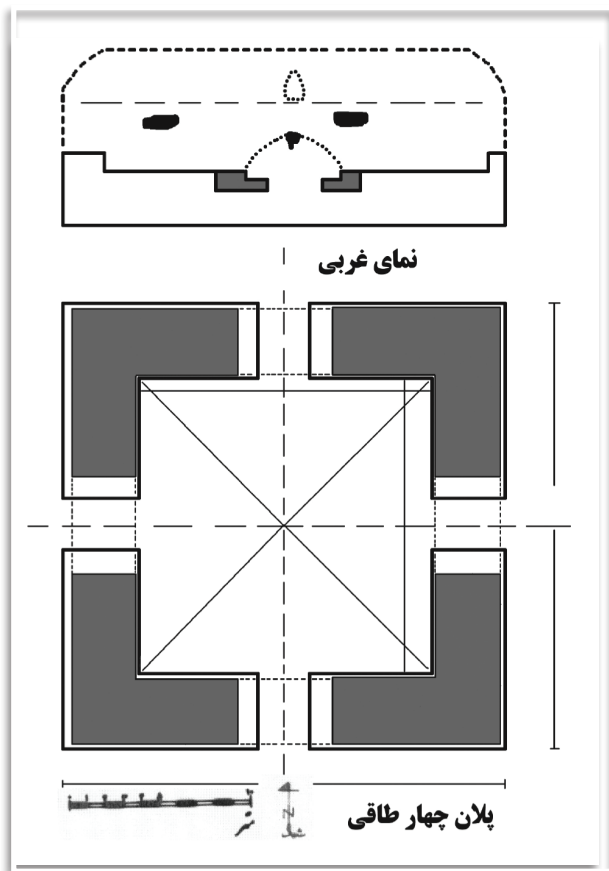
Fig.2. Simple four arched with four open thresholds. Source: Sarfaraz & Firuzmandi, 2002:288

خارجی $۶۰/۲ \times ۲۴/۶۰$ متر دیده می‌شود. جرزهای جنوب شرقی و شمال شرقی بنای مذکور صدمه زیادی دیده است (تصویر ۶). نزدیک به درگاه غربی چهارطاقی و در داخل بنا یک سکوی سنگی به ابعاد ۵۰۸×۵۲۸ سانتی‌متر قرار دارد که تقریباً ۶۰ سانتی‌متر از ارتفاع آن هم‌اکنون باقی است. همچنین در ضلع جنوبی درگاه



تصویر ۵. نمای غربی چهارقاپی. مأخذ: نگارندگان.

Fig.5. Western view of Chahār Qāpi. Source: authors



تصویر ۶. پلان چهارقاپی مأخذ: آرشیو سازمان میراث فرهنگی و گردشگری قصر شیرین.

Fig.6. Plan of Chahār Qāpi; Source: Archive of Cultural Heritage Tourism and Handicrafts of Qasr-e Shirin

نمونه‌های بزرگ گنبدسازی اواخر این دوره است که فرآیندی طولانی را در مسیر تکاملی خود پشت سر گذاشته است. از این رو تصور اینکه ابداع گنبد در عصر ساسانی بدون زمینه قبلی بوده، امری کاملاً غیر منطقی است. نکته قابل ذکر اینکه از پوشش چهارطاقی در دهانه‌های متقاطع یا چلیپایی استفاده شده و این پوشش در شروع کار همان تاق ضربی است که در قسمت‌های میانی تاق‌ها از چهار جهت در یکدیگر ادغام شده و پوشش چهارطاقی را ساخته است [زمرشیدی، ۱۳۶۷: ۳۳۶].

بنیان آتشکده‌های دوران ساسانی از بنای چهارگوش معروف به معبد خورشید با دالان طواف در هترا و چهارطاقی طواف‌دار کوه خواجه آغاز شد. در کوه خواجه آتشکده‌ای که به ساسانیان نسبت داده شده، در اصل جایگاه مقدس پارتیان بوده است. با این تفاوت که آتشگاه‌های پارتیان بر فراز برج‌های چهارگوش انجام می‌شد که برخی از آنها مانند میل نورآباد ممسنی دارای فضای سرباز بود. در حالی که چهارطاقی‌های ساسانی از چهار جهت باز و بر فراز آنها مانند قصر شیرین و تخت سلیمان یک گنبد بزرگ قرار داشت [کامبخش فرد، ۱۳۷۴: ۱۵۷]. براساس نقشه‌ها و عکس‌های منتشر شده از سوی سیاحان و محققین سده نوزدهم و بیستم میلادی، بخش‌های زیادی از چهارقاپی تا سال ۱۹۱۰ میلادی سالم بوده است. اما هم‌اکنون تنها بخش قابل رؤیت آن فضای اصلی چهارطاقی است که در دهه ۵۰ شمسی مرمت و بازسازی شد (تصویر ۵). ساختمان بنا از قلوه سنگ و گچ درست شده و هیچ سنگی که دارای کنده‌کاری باشد، در آن بکار نرفته و حتی جرزها نیز از مصالح سنگی کوچک ساخته شده است. خاطر نشان می‌سازد که شناورسازی سنگ‌های لاشه‌ای در توده‌ای از ملات گچ و آهک در مغز دیوار همراه با ایجاد جرزهای قطور از دیگر اصول معماری دوره ساسانی به‌شمار می‌رود که به منظور استحکام بنا و ایجاد گنبد بر روی پایه‌های استوار و قوی شدیداً مورد استفاده قرار می‌گرفت. البته در نمای دیوارها، سنگ‌های تراش‌دار نصب شد تا ضمن زیباسازی بنا، سطح آن را صاف و یکدست کند. گچبری‌های تزئینی و اشکال قالبی از تزیینات داخلی بناهای حکومتی و مذهبی ساسانیان به‌شمار می‌روند که این موارد در چهارقاپی با گذشت زمان از بین رفته و اندود ضخیمی که زمانی دیوارهای سنگی ناهموار آن را می‌پوشانید، اینک فرو ریخته است و تنها دیوارهای سنگی و ساده آن خودنمایی می‌کند که هرچند خشک و دل‌تنگ کننده است، اما با این حال قدرت و شکوه آن را در زمان آبادانی به رخ بیننده می‌کشد. مجموعه چهارقاپی با ارتفاع تقریبی $۴/۵$ متر از سطح زمین‌های اطراف و ابعاد ۵۰×۱۵۰ متر در زمان جنگ ایران - عراق صدمه شدیدی دید. گنبد این بنا که یکی از بزرگ‌ترین گنبد‌های شناخته شده دوره ساسانی است، بر روی چهار گوشواره نوک تیز مانند کاخ فیروزآباد قرار داشته است. البته دیگر هیچ آثاری از معماری که دمرگان و بل از آن در این محل دیده‌اند، قابل رؤیت نیست. در غربی‌ترین قسمت محوطه آثاری از یک بنای مربع شکل

مربع داشته‌اند و فضای میانی جرزها با تاق کمانی به صورت درگاه‌های عریض، کاملاً باز و آزاد بوده است. این نوع چهارتاقی‌ها که تعداد زیادی از آنها در بیشتر نقاط ایران بجای مانده، محل نیایش آتش برای عموم بوده است. آتشکده‌های دوره ساسانی و چهارتاقی‌ها در عین سادگی دارای گیرایی و مولد حالت روانی و آرامش خاص در بیننده است. این ویژگی‌ها نمایانگر درجه تکامل این سبک در ساختمان‌سازی است که فرهنگ‌های دیگر را نیز زیر نفوذ خود قرار داده و به سرزمین‌های شرق و غرب ایران اشاعه یافته است.

بنای چهارقاپی در دوره اسلامی مورد بازسازی و مرمت قرار گرفت و با انجام عملیات معماری تغییر کاربری داد. چنانکه از یک بنای آیینی به مجموعه‌ای اداری مبدل شد و سرانجام در جریان لشکرکشی عثمانیان توسط گروهی ایلپاتی کوچ‌رو اشغال و جهت نگهداری رمه از آن استفاده کردند.

نتیجه‌گیری

در هیچ‌یک از منابع سده‌های نخستین اسلامی اشاره‌ای به عملکرد چهارقاپی نشده و برداشت پژوهشگران و باستان‌شناسان مبنی بر آتشکده بودن این محل صرفاً براساس سبک و شکل آن است. اما با این حال، بسیاری از مورخان این دوره به این بنا همراه با کاخ خسرو اشاره کرده و ضمن توصیف مجموعه بناهای محل، از شکوه و شوکت آن سخن رانده‌اند. چهارقاپی یکی از بناهای بزرگ اواخر عصر ساسانی بشمار می‌رود که عناصر مذهبی آن را می‌توان مجموعه‌ای از سازه‌های وابسته مانند گنبد، آتشدان در مرکز بنا، دالان طواف در پیرامون چهارتاقی، اتاق‌هایی در اطراف حیاط برای سکونت روحانیان و نگهداری وسایل مورد نیاز و نذورات و وجود یک ورودی به حیاط با سقف گنبدی مشخص ساخت. طرح چلیپایی یا صلیبی شکل این بنا که از دو محور عمود برهم تشکیل شده، یادآور سبک برخی از کاخ‌های ساسانی و آتشگاه‌های بزرگ این سلسله ایرانی است.

با توجه به مورد اخیر و مجاورت چهارقاپی در کنار کاخ خسرو می‌توان نتیجه گرفت که این بنا هم‌زمان با کاخ و دیگر تأسیسات شاهی ساخته شده و احتمالاً محل برگزاری مراسم دینی ساکنان کاخ بوده است. برخلاف تصور برخی از پژوهشگران که معتقدند چهارقاپی در مدتی کوتاه و شتاب‌زده بنا شده است باید گفت؛ بنای فوق با توجه به عظمت و جرزهای ضخیم، گنبد رفیع، گوشواره‌ها و رینگ‌های دقیق و مهندسی‌ساز و مصالح مستحکم براساس یک طرح و برنامه مدون و از پیش طراحی شده، ساخته شده است. از آن جایی که این بنای عظیم در مجاورت کاخ شاهی قرار داشته، احتمالاً از تزئینات معماری داخلی و خارجی خاص و زیبایی برخوردار بوده است. از این‌رو عوامل فوق موجب شد تا هنگامی که رومیان و مسلمانان در برهه‌ای نه چندان دور از یکدیگر به ایران حمله کردند، این آتشکده را که مظهر شاهی و اعتقادی ایرانیان بود به میزان زیادی تخریب کنند.

چهارقاپی به دلیل عظمت و استحکام چندین بار در ادوار اسلامی مرمت و بازسازی شد، لیکن این بار نه به عنوان آتشکده بلکه به عنوان یک مرکز اداری - دولتی و ... از آن بهره فراوان بردند.

شرقی و در خارج بنا یک سکوی آجری دیگر به ابعاد 144×255 سانتی‌متر دیده می‌شود که با ملات گچ ساخته شده است. در فاصله $6/37$ از ضلع جنوب غربی چهارتاقی، آثار و بقایای معماری، چهار اتاق کوچک، یک سالن بزرگ، یک حیاط و یک راهرو در حفاری سال ۱۳۷۱ خورشیدی بدست آمد [هژبری، ۱۳۸۴: ۱۰۷].

چهارتاقی با مجموعه‌ای از تأسیسات مذهبی دارای آتشدانی بود که آتش مقدس در آن فروزان می‌شد. از این رو مؤمنین می‌توانستند به نیایش اورمزد که انوار آتش مظهری از فروغ او بود، بپردازند. تأسیسات و اتاق‌های پیرامون چهارتاقی به روحانیان، محل نذورات، انبارها، محل نگهداری هیمه و احیاناً زوار تعلق داشت. این چهارتاقی از نوع آتشکده‌هایی است که دارای دالان طواف‌دار بوده که هم‌اکنون این دالان به‌طور کامل فرو ریخته است. از این‌رو، زوار و نیایشگران می‌توانستند با چرخش در این دالان، آتش مقدس را ضمن نیایش و خواندن اوراد طواف کنند. گرتود بل اگرچه در مورد کاربری این ساختمان اظهار نظر نکرده است، لیکن زمان ساخت آن را براساس تطبیق با بناهای دوره اسلامی عباسی، خصوصاً کاخ اخضر در عراق، به قرون اولیه اسلامی نسبت داده و آن را یک کاخ می‌داند [Bell, 1914: 44-74]. در حالی که زاره و هرتسفلد معتقدند که بنای چهارقاپی یک آتشکده بوده است [Sarre and Herzfeld, 1910: 293]. از سوی دیگر «شراتو» به نقل از «گدار» نوشته است که این بنا تالار تخت شاهی بوده و آن را مرتبط و شبیه عمارت خسرو می‌داند [شراتو، ۱۳۷۶: ۴۷].

پوزانیاس (Pausanias) یکی از نخستین افرادی است که در قرن دوم میلادی به مراسم عمومی برگزاری آتش توسط ایرانیان اشاره کرده است [گدار، ۱۳۶۶: ۱۷]. دین رسمی ایرانیان در سده بعد و در زمان حکومت ساسانیان زرتشتی و مظهر آن آتشکده‌های گوناگونی بود که در قلمرو حکومتی آنها ساخته می‌شد. تعداد این آتشکده‌ها فراوان، اما سه آتشکده از بقیه مهم‌تر بود:

۱. آذر فرنیخ که مختص موبدان و محل آن در کاربان فارس بود.
۲. آذرگنسنب؛ مخصوص شاهان و ارتشیان بود که در شیز (تخت سلیمان) قرار داشت. وابستگان به این آتشکده در سختی و مشکلات به آن متوسل می‌شدند. چنانکه هنگام تاج‌گذاری، اعیاد، خشکسالی و جنگ برای آن نذورات فراوان می‌دادند. حتی در برخی از جنگ‌ها، فرماندهان و گاه قسمتی از لشکریان از همین مکان مستقیماً عازم نبرد می‌شدند.
۳. آذر برزین مهر که آتشکده ویژه کشاورزان و پیشه‌وران بود، در کوه‌های ریوند در شمال غربی نیشابور قرار داشت.

برخی از محققین چون گولینی [Gullini, 1964: 34-52] و زاره و هرتسفلد [Sarre and Herzfeld, 1910: 293] تنها فضای چهارتاقی را آتشکده‌ای از دوره ساسانی می‌دانند و برخی دیگر چون اردمان [Erdmann, 1941: 30-50]، گدار [گدار، ۱۳۷۷: ۲۵۹-۲۵۷] در منابع تاریخ ۱۳۶۶ است، واندنبرگ [۱۳۷۹: ۱۰۰-۹۸]، شیپ من [Schippmann, 1971: 282-286] و بل [Bell, 1914: 44-51] چهارتاقی و مجموعه فضای پیرامون آن را آتشکده می‌دانند. دلیل آنها شباهت زیاد این چهارتاقی با سایر چهارتاقی‌های دوره ساسانی است. در مورد بنای چهارتاقی قصر شیرین و دیگر موارد مشابه آن باید گفت؛ این نوع چهارتاقی‌ها چه ساده و چه مرکب بناهایی هستند که گنبدی بر روی چهار جرز قطور در چهار رأس یک

فهرست منابع

- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. ۱۳۴۵. *صوره الارض*. ت: جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن رُسته، احمد بن عمر. ۱۳۶۵. *الاعلاق النفیسه*. ت: حسین قره چانلو، تهران: امیر کبیر، چاپ اول.
- ابن فضلان بن عباس، احمد. ۱۳۸۰. *سفرنامه*. به ویراستاری منوچهر دانش پژوه، تهران: نشر ثالث، چاپ اول.
- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن اسحاق همدانی. ۱۳۴۹. *البلدان*. ت: ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالفداء. ۱۳۴۹. *تقویم البلدان*. ت: عبدالحمید آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابودلف، مسعر بن المهلهل. ۱۳۵۴. *سفرنامه ابودلف*. ت: سید ابوالفضل طباطبایی، تهران: زوار.
- البویه، جی. بی. ۱۳۷۱. *سفرنامه البویه*. تاریخ اجتماعی اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار، ت: محمد طاهر میرزایف به تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات.
- بایندر، هنری. ۱۳۷۰. *کردستان، بین النهرین و ایران*. ت: کرامت الله افسر، تهران: فرهنگسرای بساوی.
- حسینی، سید بهشید. ۱۳۸۷. *درک و فهم فضایی قدسی آتشگاه و آتشکده در چهار چوب نظام شکل و معنا* (دومین کنگره تاریخ و معماری و شهرسازی ایران)، مجموعه مقالات، به کوشش: باقر آیت‌الله زاده شیرازی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول.
- دلواله، پیترو. ۱۳۷۰. *سفرنامه پیترو دلواله*. ت: شعاع‌الدین شفا، تهران: علمی فرهنگی، چاپ دوم.
- دمرگان، زاک. ۱۳۳۹. *هیئت علمی فرانسه در ایران (مطالعات جغرافیایی)*، ت: کاظم ودیعی، تبریز: هنر.
- زمرشیدی، حسین. ۱۳۶۷. *طاق و قوس در معماری ایران*. تهران: کیهان، چاپ اول.
- شرآتو، امبرتو. ۱۳۷۶. *تاریخ هنر ایران (۲)*. ت: یعقوب آژند، تهران: مولی، چاپ اول.
- طبری، محمد بن جریر. ۱۳۶۸. *تاریخ الرسل والملوک*. ت: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- قزوینی، زکریا بن محمد محمود. ۱۳۷۱. *آثار البلاد و اخبار العباد*. ت: جهانگیر میرزا قاجار، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.
- قلقشندی، احمد بن علی. ۱۳۸۰. *جغرافیای تاریخی ایران*. ت: محبوب الزویری، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- کامبخش فرد، سیف‌الله. ۱۳۷۴. *معبد آناهیتا کنگاور*. تهران: سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول.
- کلایس، ولفرام. ۱۳۶۶. *تلاع*. ت: علیرضا میهنی، معماری ایران دوره اسلامی به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- گدار، آندره و دیگران. ۱۳۶۶. *آثار ایران*. (جلد اول)، ت: ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- واندنبرگ، لوئی. ۱۳۷۹. *باستان‌شناسی ایران باستان*، ت: عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- هژبری، علی. ۱۳۸۴. *بررسی باستان‌شناسی شهرستان قصر شیرین*. کرمانشاه: پژوهشگاه پایگاه میراث فرهنگی محور ساسانی، کرمانشاه - قصر شیرین.
- هرتسفلد، ارنست. ۱۳۸۱. *ایران در شرق باستان*. ت: همایون صنعتی زاده، کرمان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات دانشگاه شهید باهنر کرمان، چاپ اول.
- هوف، دیتریش. ۱۳۶۵. *شهرهای ساسانی*. ت: محمد رحیم صراف (نظری اجمالی به شهر و شهرسازی در ایران به کوشش محمد یوسف کیانی)، تهران: ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- یاقوت‌الحموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله الرومی. ۱۹۵۷. *معجم البلدان*. جلد پنجم، تهران: بیروت.
- یعقوبی، ابن واضح احمد بن یعقوب. ۱۳۸۱. *البلدان*. ت: ابراهیم آیتی، تهران: شرکت علمی فرهنگی، چاپ چهارم.

References list

- Abolfeda. (1970). *Taghvim-al boldan*. Translated from Arabic by Ayati, A. Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran.
- Aboudolaf, M. (1975). *Safarnameh Aboudolaf*. Translated from Arabic by Tabatabaee S. A. Tehran: Zovvar.
- Bayondor, H. (1991). *Kordestan, Beinolnahrein va Iran*, Translated from English by Afsar, K. Tehran: Farhangsaraye Yasavoli.
- Bell, G. (1914). *Palace and Mosque at Ukhaidir*, London: Oxford.
- Della Valle, P (1991). *Safarnameh-e Pietro Della Valle*, Translated from the Italian by Shafa, Sh. Tehran: Elmi Farhangi Publication.
- Demorgan, J. (1960). *Hey`at-e Elmi-e Faranse dar Iran (Motaleaat-e Joghrafiiae)*, Translated from the France by Vadiie, K. Tabriz: Honar Publication.
- Ebn-e Faghiih, A. (1970). *Al-boldan*, Translated from Arabic by Masoud, H. Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran.
- Ebn-e Fazlan Ebn-e Abbas, A. (2001). *Safarnameh*, Edited by Daneshpazhooch, M. Tehran: Sales Publication.
- Ebn-e Roste, A. (1986). *Al-aalagh-al Nafiseh*, Translated from Arabic by Ghareh Chanloo, H. Tehran : Amir Kabir publication.
- Ebn-e Howghal, A. (1966). *Soorat-al-arz*, Translated from Arabic by shoaar, J. Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran
- Erdmann, K. (1941). *Das Iranica Feuerheiligtum*, Berlin.
- Godard, A, et al. (1987). *Aasar-e Iran (Jeld-e Avval)*, Translated from France by Sarvghad Moghadam, A. Mashhad: Astan-e Ghods-e Razavi.
- Gullini, G. (1964). *Architettura Iranica dagli Achemenidi ai Sasanidi: Il Palazzo di Kuh-i Kwagia*, Einaudi, and Turin.
- Herzfeld, E. (2002), *Iran Dar Shargh-e Bastan*, Translated from English by Sanaatizadeh, H. Kerman: Shahid Bahonar University of Kerman.
- Hoseini, S.B. (2008). *Dark va Fahm-e Fazaee Ghodsi Atashgah va Atashkadeh dar Chahar Choob-e Nezam-e Shekl va Ma`na*. Edited by Ayatollahzadeh Shirazi, B. Tehran: Sazeman-e Miras-e Farhangi Keshvar.
- Houf, D. (1986). *Shahrha-ye Sasani*, Translated from German by Sarraf, M. Tehran: Ershad-e Eslami Publication.
- Hozhabri, A. (2005). *Barrasi-ye Bastanshenasi-ye Shahrestan-e Qasr-e Shirin*, Kermanshah: Pazhooheshgah-e Paygah-e Miras-e Farhangi-ye Mehvar-e Sasani.
- Kambakhsh-e Fard, S. (1995). *Mabad-e Anahita Kangavar*, Tehran: Sazeman-e Miras-e Farhangi.
- Kliess, V. (1987). *Qolaa*, Translated from German by Mihani, A. Memari Iran Doreye Eslami, Edited by Kiani, M. Tehran: Jahaad-e Daneshgahi.
- Olivie, G. B. (1992). *Safarnameh Olivie, Tarikh-e Ejtemaee Eghtesadi-e Iran dar dowran-e aghazin-e asr-e Qajar*, Translated by Mirzayof, M. Edited by Varahram, G. Tehran, Etelaat.
- Qalghashandi, A. (2001). *Joghrafiya-ye Tarikhi-ye Iran*, Translated by Mahjoob-al-zaviri, Tehran: Vezerat-e Omour-e Khareje.
- Qazvini, Z. (1992). *Asaar-al-belad va Akhbar-al-ebad*, Translated by Mirza Qajar, J. Tehran: Amir Kabir.
- Rich, J. C. (1836). *Narrative of a Residence in Koordistan*, vol.II. London.
- Sarre, F. & Herzfeld, E. (1910). *Iranische Felsreliefs*, Berlin.
- Schippmann, K. (1971). *Die Iranischen Feuerheiligtumer*, Berlin - New York.
- Sherrato, U. (1997). *Tarikh-e Honar-e Iran (2)*, Translated by Azhand, Y. Tehran: Mola Publication.
- Tabari, M. (1989). *Tarikh-al-rosol Val-molouk*, Translated from Arabic by Payandeh, A. Tehran: Asatir Publication.
- Vandenberg, L. (2000). *Bastanshenasi-ye Iran-e Bastan*, Translated by Behnam, I. Tehran: University of Tehran.
- Yagoot-al-homavi, Sh. (1957). *Mojam-al-boldan*, Tehran: Beirut Publication.
- Yaghoobi, E. (2002), *Al-boldan*, Translated to Fa from Arabic by Ayati, E. Tehran: Sherkat-e Elmi Farhangi Publication.
- Zemorshidi, H. (1988). *Taq va qows dar Memaari-e Iran*, Tehran: Keyhan.

Chahār Qāpi, a Fire Temple in Khurbarān Kust (Sassanid's Western State)

Reza Mehrafarin*

Ebrahim Ahmadi Hedayati**

Abstract

The four arched of Qasr-e Shirin which is known as Chahār Qāpi with sides of 25 meters is considered as one of the biggest fire temples of Sassanid era in Iran which was probably made above 14 centuries ago according to historical sources and archaeological artifacts. It is likely that Chahār Qāpi was made by the order of king as regards its dimensions, stability and beauty as well as supplied accessories. A further glory for this structure comes from the fact that it was located in the vicinity of Khosrow palace – what has already raised speculations that the temple was built so that the members of the king's court would perform their rituals in a way befitting the royal dignity. This could be particularly true when considering that the Sassanid rule was deeply rooted in religion and the kings of this dynasty considered themselves as the guardians of Zoroastrianism. Therefore, making water and fire temples was extremely important in the Sassanid dynasty. Chahār Qāpi has a strong and remarkable foundation and jamb, even though it was destroyed by the Romans and later abandoned when new rulers with new religions came to power in Iran. These elements are undoubtedly signs of its greatness in its days of architectural glory. Chahār Qāpi which has four thresholds is among fire temples that have vendor corridor as well as very beautiful interior decorations. This structure was surrounded by a collection of rooms and facilities parts of which were discovered by archaeologists in recent years and then restored by them. The architecture style of this temple is completely Sassanid. Common materials of the era like rubble stones and gypsum mortar were used in its construction. There was also a lofty dome at its top. This article has tried to offer a clear picture of sites used to perform rituals of Zoroastrianism during the Sassanid era. The sites are commonly known as Chahār Tāqi each with the form, construction materials and decorations particular to a specific section of the Sassanid society. The Chahār Tāqis built for the royals were much stronger and bigger and had more decorations and corridors. The information presented in this article has been collected from observations of Muslim historians and geographers as well as the findings of archaeologists in order to provide a clear image of Chahār Qāpi. According to information obtained as the result of this research, the fire temple of Chahār Qāpi was simultaneously constructed with the palace of Sassanid king Khosrow Parviz. The cruciform plan of this monument that comprises of two perpendicular axes recalls the style of some Sassanid palaces, especially in the beginning of this dynasty.

۸۲/۵

Keywords

Four arched of Qasr-e Shirin, Chahār Qāpi, Fire Temple, Khosrow Parviz, Sassanian.

.....
*.Associate professor in University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Reza.mehrafarin@gmail.com

** .M.A. in Archaeolog, Zahedan, Iran.

ebrahimahmadi22@yahoo.com